



مقاله پژوهشی

بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی با توجه به نقش تعدیل کنندگی افشا سرمایه فکری با تاکید بر رویکرد نوآفرینی در مسائل زیست محیطی

مهران معصومی کیان*؛ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه بصیر، آبیگ، ایران
آرزو یگانه؛ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه کار، قزوین، ایران.

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی با توجه به نقش تعدیل کنندگی افشا سرمایه فکری می باشد. قلمرو مکانی این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ بوده است. تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد، چنانچه طبقه بندی انواع تحقیقات بر اساس ماهیت و روش را مدنظر قرار گیرد، روش تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی قرار داشته و از نظر روش نیز در دسته تحقیقات همبستگی محسوب می گردد. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شد. در بخش داده های پژوهش از طریق جمع آوری داده های شرکت های نمونه با مراجعه به صورت های مالی، یادداشت های توضیحی و ماهنامه بورس اوراق بهادار انجام پذیرفت. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۰۷ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلخیص داده های جمع آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده ها ابتدا پیش آزمون های ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون جارک - برا و سپس از آزمون رگرسیون چند متغیره برای تأیید و رد فرضیه های تحقیق (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. خلاصه نتایج تحقیق نشان داد، افشای سرمایه فکری بر رابطه بین ساختار مالکیت و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

شماره صفحات: ۵۴-۳۱

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



واژگان کلیدی: افشای سرمایه فکری، ساختار مالکیت، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی.

استناد: معصومی کیان، مهران؛ یگانه، آرزو. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی با توجه به نقش تعدیل کنندگی افشا سرمایه فکری با تاکید بر رویکرد نوآفرینی در مسائل زیست محیطی، فصلنامه مدیریت نوآفرینی، سال ۳، شماره ۱، صص ۳۱-۵۴.

مقدمه

امروزه در تصمیم‌گیری در تمامی جنبه‌های زندگی، اخلاق و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان موضوعات مهمی شناسایی شده‌اند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با نام‌های دیگری مانند مسئولیت شرکتی، پاسخگویی شرکتی، اخلاق شرکتی، شهروندان یا مباشرت شرکتی، کارآفرینی مسئول و... نیز شناخته می‌شود.

مسئولیت اجتماعی مفهومی است که در آن شرکت‌ها نگرانی‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را در فعالیت‌های تجاری و تعاملات خود با ذینفعان (کارکنان، مشتریان، سهامداران، سرمایه‌گذاران، دولت) وارد می‌کنند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به این معنی است که مؤسسات نه تنها باید عمل تصمیم‌گیری را بر اساس عوامل مالی مثل سود انجام دهند، بلکه باید آن‌ها نتایج اجتماعی و زیست‌محیطی کوتاه‌مدت و بلندمدت فعالیت‌هایشان را نیز در نظر بگیرند. رهنمودهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیان می‌کنند که سیستم حاکمیتی یک شرکت باید از اخلاق، شفافیت و پاسخگویی پشتیبانی کند. شرکت‌ها نباید در آن دسته از فعالیت‌های تجاری شرکت کنند که مخرب، توهین‌آمیز، غیرمنصفانه، فاسد و یا ضد رقابتی است (Baba et al, 2021).

در نگاهی کلی، حاکمیت شرکتی شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت‌وسوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارد، عبارت است از سهامداران و ساختار مالکیت آنان، اعضای هیئت‌مدیره و ترکیباتشان، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (Hassas Yaganeh and Puriansab, 2018) در این میان آنچه بیشتر جلب‌توجه می‌کند حضور روزافزون سرمایه‌گذاران نهادی در دایره مالکان شرکت‌های سهامی عام و تأثیری است که حضور فعال این گروه بر چگونگی حکمرانی و تولید بر سازمان‌ها و همچنین عملکرد آن‌ها می‌تواند داشته باشد. اساسی‌ترین رکن بحث حاکمیت شرکتی، اطمینان یافتن از اعمال حاکمیت صحیح سهامداران بر اداره شرکت و حداکثر کردن ارزش شرکت است. از این رو بتوان استراتژی‌های لازم را در جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی تدوین کرد (Asadi et al., 2018).

با توجه به رشد روزافزون جمعیت و محدود بودن منابع طبیعی در دسترس، مسئله‌ی حفاظت از محیط‌زیست از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری مطرح شده است (White, 2019). همگام با رشد اقتصادی، فشار بر سیستم‌های طبیعی و منابع کره زمین شدت می‌گیرد. مدیران واحدهای تجاری درصدد کاهش هزینه‌های عملیاتی و تأثیرات زیست‌محیطی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی هستند. سیستم مدیریت سنتی به دلیل دیدگاه صرفاً مالی خود، اطلاعات مربوطی را در خصوص هزینه‌های محیط‌زیست در اختیار مدیران قرار نمی‌دهد. هدف از افشای عملکرد زیست‌محیطی، تهیه‌ی اطلاعاتی برای کمک به مدیران در امر ارزیابی عملکرد، کنترل، تصمیم‌گیری و گزارشگری برای سازمان یا منطقه است (Wahba, 2019).

عملکرد زیست‌محیطی شرکتی و افشاگری‌های مرتبط با آن عامل ضروری است که به تداوم شرکت‌ها منجر می‌شود؛ زیرا همه شرکت‌ها ارتباط‌هایی با جامعه دارند. لذا جامعه امکان بقای شرکت‌ها را در درازمدت فراهم می‌آورد. جامعه از فعالیت‌ها و رفتار شرکت‌ها بهره می‌گیرد. گسترش مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها بر این موضوع دلالت دارد که مسئولیت‌های شرکت‌ها از آنچه در گذشته بوده، یعنی فراهم کردن پول برای سهامداران فراتر رفته است. به این ترتیب شرکت‌ها علاوه بر مسئولیت اقتصادی، باید در برابر مسائل اجتماعی احساس مسئولیت کنند؛ بنابراین با توجه به اهمیت عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها و افشاگری‌های مرتبط با آن، در گزارش‌های مالی بایستی مراقبت‌های کافی به

عمل آید. در سال‌های اخیر با توجه به رشد و گسترش انواع شرکت‌های صنعتی دولتی و خصوصی خطرات آسیب‌های زیست‌محیطی بیش‌ازپیش وجود داشته و نیاز به مراقبت و رسیدگی بیشتر جهت کاهش اثرات مخرب این نوع از آسیب‌ها توسط شرکت‌ها به شدت احساس می‌شود. (Baba et al, 2021).

ما در این تحقیق قصد داریم بررسی نماییم که میزان تعهد شرکت‌ها در شرایط مختلف در برابر مسائل زیست‌محیطی تا چه حد بوده و چه مقدار از این تعهد انجام می‌پذیرد؟ و نوع مالکیت شرکت‌ها چه تأثیری بر میزان اجرای تعهدات آن‌ها در این زمینه دارد؟ با توجه به موارد مطرح شده هدف این تحقیق پاسخگویی به این سؤال است که:

آیا ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی تأثیرگذار است؟

آیا افشا سرمایه فکری نقش تعدیل‌کنندگی بر رابطه بین ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

افشا

افشا به‌عنوان یکی از اصول حسابداری مطرح است و بر اساس این اصل، باید کلیه‌ی اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت به نحو مناسب و به موقع در اختیار گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار می‌گیرد. در واقع هدف اصلی از افشا عبارت است از؛ کمک به استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش‌بینی جریان‌ات وجوه نقد آتی. در این راستا باید کلیه واقعات‌های بااهمیت واحد اقتصادی به گونه‌ای مناسب و کامل افشا شوند تا امکان اتخاذ تصمیم فراهم گردد و از سردرگمی جلوگیری به عمل آورد. افشاء باید از طریق گزارش‌های قانونی شامل صورت‌های مالی اساسی که حاوی تمامی اطلاعات بااهمیت، مربوط و به موقع باشد و این اطلاعات به گونه‌ای قابل فهم و حتی الامکان کامل ارائه گردد؛ تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم شود (Maleki and Seyedabadi, 2015).

جهت تعیین انگیزه‌های مدیر برای افشای اطلاعات در گزارش‌های مالی، نه تنها انگیزه اختیاری بلکه باید انگیزه اجباری، از جمله آستانه اهمیت را در نظر گرفت. بر این اساس، می‌توان فرآیند افشای اطلاعات را به سه قسمت شامل الف) افشای اختیاری در شرایط نبود الزامات افشاء شامل آستانه اهمیت، ب) افشای اجباری با فرض الزام به رعایت آستانه اهمیت و ج) افشای با در نظر گرفتن هم‌زمان انگیزه‌های اختیاری و اجباری ناشی از آستانه اهمیت، طبقه‌بندی نمود (Healy & Palepu, 2015).

اگر شرکت‌ها در بازارهای متعددی فعالیت نمایند که منعکس‌کننده‌ی روابط اجتماعی گوناگون می‌باشد، بالا بردن سطح پاسخگویی مدیران به سهامداران به جای اینکه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را کاهش دهد، باعث افزایش آن می‌گردد. علت اینکه مدیران خود را متعهد در انجام اعمال پسندیده از لحاظ اجتماعی مانند افشاء موثق و معتبر برای مشتریان یا سرمایه‌گذاران نمی‌دانند این است که این چنین اعمالی باعث افت کوتاه‌مدت قیمت سهام می‌شود، حال آنکه پاداش و منافع مدیران به همین قیمت‌های سهام شرکت بستگی دارد. پاداشی که هم جهت و هم سو با ثروت سهامداران و منافع مدیران نباشد موجب عدم پذیرش پاسخگویی مدیریتی در قبال سهامداران می‌گردد.

ساختار مالکیت

ترکیب سهامداری یا ساختار مالکیت از موضوعات مهم حاکمیت شرکتی به شمار می‌رود که انگیزه مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدین ترتیب می‌تواند در کارآیی هر شرکتی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در گذشته، اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند اما در طول ۳ دهه اخیر، موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه شرکت‌ها با این گونه تضادها توسط اقتصاددانان مطرح شده است. این موارد به‌طور کلی، تحت عنوان "نظری نمایندگی" بیان می‌شود. سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا اصولاً می‌توان ترکیب بهینه‌ای را برای مالکیت و سهامداری شرکت‌ها شناسایی و معرفی نمود؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، کدام یک از ترکیب‌های متفاوت مالکیت، در بهبود عملکرد و افزایش ارزش شرکت و ثروت سهامداران شرکت مؤثرتر است؟

ساختار مالکیت یک شرکت از ابعاد گوناگون قابل توجه است و در وهله اول بر حسب دو متغیر شامل سهامداران درونی یا سهام در اختیار سهامداران داخلی و سهامداران بیرونی تعریف می‌شود. بر این اساس، سهام در اختیار سهامداران نهادی و دولت از بخش‌های اصلی مالکیت بیرونی شرکت‌ها تلقی می‌شود. سهام در اختیار سهامداران داخلی بیانگر درصدی از سهام در دست سهامداران است که در تملک مدیران و کارکنان شرکت قرار دارد (Merdock et al, 2016). سهام تحت مالکیت سهامداران نهادی به درصدی از سهام شرکت اشاره می‌کند که در تملک سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی است. همچنین ترکیب مالکیت یک شرکت را علاوه بر درونی یا بیرونی بودن می‌توان از ابعاد مختلفی مانند تمرکز یا عدم تمرکز مالکیت، نهادی یا حقیقی بودن و مدیریتی یا غیر مدیریتی بودن سهامداران مورد توجه قرار داد (Suleimani et al, 2011).

همچنین، نتایج مارگاریت و سیلاکی^۱ (۲۰۱۰) نشان داد که مالکیت متمرکز بدهی بیشتر در ساختار سرمایه را در پی دارد، اما بین انتخاب نوع مالکیت و نوع اهرم‌ها ارتباط معنی‌داری وجود ندارد (Babaei et al, 2012). از سوی دیگر، نمازی و کرمانی (۱۳۸۷)، تأثیر ساختار مالکیت را بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین مالکیت شرکتی و عملکرد شرکتی وجود دارد. هاشمی و یکرانی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکتی بر تصمیمات ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه بین دو متغیر تصمیمات ساختار سرمایه و ساختار مالکیت را برای سال‌های ۸۸-۱۳۸۱ مطالعه کرده و نشان دادند که رابطه معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد. در نهایت، کیستین اندرس^۲ (۲۰۰۸)، با بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت برای ۲۷۵ شرکت آلمانی به این نتیجه رسیدند که تنها در شرایطی که نماینده‌ای از خارج از شرکت در بین آن‌ها نباشد، مالکیت مدیریتی می‌تواند عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که ذی‌نفعان دیگر یا به‌طور منفی بر عملکرد شرکت تأثیر دارند و یا اصلاً تأثیر معنی‌داری بر آن ندارند.

مالکیت نهادی

ساختار مالکیت در حاکمیت شرکتی دارای جایگاه هسته‌ای و مشخص می‌باشد. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت به‌عنوان ابزار کنترل و اعمال حکمرانی در شرکت‌هاست. این بعد از حاکمیت در قالب ابعاد مختلف تعیین‌کننده نوع مالکیت شرکت نظیر توزیع مالکیت، تمرکز مالکیت، وجود سهامداران اقلیت و عمده در ترکیب شرکت

^۱- Margarit & Silaky

^۲- Kistin Anders

و درصد مالکیت آن‌ها قابل بررسی است. همچنین ترکیب سهامداران شرکت‌ها از الگوی متفاوتی نظیر سهامداران نهادی، مالکیت مدیریتی، سهامداران خصوصی و دولتی تبعیت می‌کند یکی از ساز و کارهای کنترل بیرونی مؤثر بر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده‌ای بوده، ظهور سرمایه‌گذاران نهادی است.

محمد نژاد (۱۳۹۰) به نقل از فلمینگ و همکاران^۱ (۲۰۱۳) بیان می‌کند سرمایه‌گذاران نهادی موسسه‌هایی هستند که به خرید و فروش حجم بالایی از اوراق بهادار می‌پردازند و با استفاده از حق رأی خود در تصمیم‌گیری‌ها و ساختار هیئت‌مدیره نفوذ کرده و لذا می‌توانند یکی از منابع نظارت بر عملکرد مدیریت شرکت باشند. سهامداران نهادی دارای توان بالقوه تأثیرگذاری بر فعالیت‌های مدیران به‌طور مستقیم از طریق مالکیت و به‌طور غیر مستقیم از طریق مبادله سهام خود می‌باشد. تأثیر غیر مستقیم سهامداران نهادی می‌تواند بسیار بااهمیت باشد. برای مثال سهامداران نهادی ممکن است در قالب یک گروه از سرمایه‌گذاران در یک شرکت خاص خودداری نمایند و از این طریق موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت شوند؛ زیرا جذب سرمایه برای شرکت‌ها سخت‌تر و در نتیجه گران‌تر خواهد بود. تحقیقات بر این مسئله دلالت دارند که وجود سرمایه‌گذاران نهادی منجر به ارزش‌های ذاتی و در نتیجه هزینه‌های نظارتی کمتر برای سرمایه‌گذاران می‌شود؛ بنابراین نظارت بهتر مدیران، حاکمیت شرکتی بهتری را ایجاد می‌کند. نظریه نمایندگی تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاران نهادی انگیزه و همچنین قدرت نظارت بر مدیریت را داشته و می‌توانند اطمینان یابند که آیا مدیریت، شرکت را به صورت کارا هدایت می‌کند یا نه؟

همچنین، اگر چنانچه مدیریت برخلاف منافع سهامداران عمل کند، آن‌ها با اختیار رأی خود می‌توانند ترکیب هیئت‌مدیره را عوض کنند، محمد نژاد (۱۳۹۰) به نقل از (دمستر، ۱۹۸۳؛ گیلان و استارکس^۲، ۲۰۱۴). سایفرت، گانسن و رایت^۳ (۲۰۱۳) معتقدند سهامداران نهادی سرمایه‌گذارانی خبره هستند که می‌توانند نقش مهمی در نظارت بر مدیران ایفا نمایند. کسب حق مالکیت و نظارت به وسیله سهامداران نهادی، دوراهی است که می‌تواند مشکلات نمایندگی را کاهش و ارزش شرکت را افزایش دهد. حق مالکیت عمده به وسیله مدیران، منافع آن‌ها را با منافع سهامداران هم سو می‌کند، به‌طوری که مدیریت انگیزه لازم برای فعالیت حداکثر کننده ارزش را دارد. وجود سهامداران عمده نیز می‌تواند میزان نظارت را افزایش یا آن را بهبود بخشد و بنابراین به عملکرد بهتر شرکت منجر می‌شود.

سرمایه‌گذاران نهادی را می‌توان به دو دسته منفعل و فعال تقسیم کرد:

۱- سرمایه‌گذاران نهادی منفعل دارای گردش پرتفوی بالایی بوده و استراتژی معاملاتی لحظه‌ای دارند. برای مثال، با یک خبر خوب سهام می‌خرند و با خبر بد سهام را می‌فروشند. برای این مالکان، قیمت جاری سهام بسیار مهم بوده، دارای دیدگاه کوتاه‌مدت و گذرا هستند و عملکرد جاری را به عملکرد بلندمدت شرکت ترجیح می‌دهند؛ بنابراین، انگیزه زیادی برای نظارت بر مدیریت و داشتن نماینده‌ای در هیئت‌مدیره شرکت‌های سرمایه‌پذیر ندارند، زیرا بعید است که منافع این نظارت در کوتاه‌مدت نصیب آن‌ها شود (Puter, 1992). تمرکز بیش‌ازحد این سهامداران بر عملکرد و سود جاری، ممکن است انگیزه‌هایی را برای خوش‌بینی مدیریت در ارائه سود حسابداری جهت نیل به اهداف کوتاه‌مدت، فراهم آورد.

۲- در مقابل، سرمایه‌گذاران نهادی فعال، دیدگاه بلندمدت داشته، عملکرد بلندمدت شرکت را مدنظر دارند؛ بنابراین، انگیزه زیادی برای داشتن نماینده در هیئت‌مدیره شرکت‌های سرمایه‌پذیر دارند. گردش پایین سبد سهام

1- Feleming et al

2- Gilan & Starks

3- Sifert, Ganens & Right

سرمایه‌گذاران بزرگ بیانگر انگیزه این سهامداران برای نگهداری سهام و تشویق مدیران به بهبود عملیات و افزایش ثروت سهامداران است. این سهامداران با نظارت فعالانه بر مدیریت تصمیمات وی، انگیزه‌هایی را برای مسئولیت‌پذیری بیشتر مدیریت فراهم می‌آورند (Mehrani et al., 2014).

فرضیه نظارت کارا بیان می‌کند که سرمایه‌گذاران نهادی به علت خبره بودن به راحتی و با هزینه کمتر نسبت به سایر سرمایه‌گذاران می‌توانند بر مدیریت نظارت کنند. در نهایت پیش‌بینی می‌کند که این نظارت باعث ایجاد رابطه مثبت بین درصد سرمایه‌گذاران نهادی و عملکرد شرکت می‌شود. این فرضیه به‌طور تلویحی فقط یک رابطه سرمایه‌گذاری بین مالکیت نهادی و شرکت فرض می‌کند. فرضیه تضاد منافع بیان می‌کند که با توجه به سایر روابط تجاری سودآور با شرکت، سرمایه‌گذاران نهادی مجبور به دادن رأی به مدیریت بر اساس سهامشان هستند. به‌عنوان مثال، یک شرکت بیمه ممکن است مالک بخش قابل توجهی از سهام شرکت باشد و هم‌زمان به‌عنوان بیمه‌گر اصلی شرکت نیز فعالیت کند. رأی دادن بر علیه مدیریت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روابط تجاری شرکت بیمه با مدیریت (و شاید دیگران) بگذارد، در حالی که رأی به نفع مدیریت منجر به هیچ مجازات آشکاری نمی‌شود. فرضیه هم راستایی، راهبرد را نیز بیان می‌کند که همکاران مالکان نهادی و شرکت مزایای دو جانبه برای هر دو طرف دارد، به‌طورکلی این همکاران اثرات مثبت بر ارزش شرکت ناشی از نظارت سرمایه‌گذاران نهادی را کاهش می‌دهد. در نتیجه فرضیات تضاد منافع و هم راستایی راهبرد یک رابطه منفی بین مالکیت نهادی و ارزش شرکت پیش‌بینی می‌کند.

مالکیت خانوادگی

اهمیت شرکت‌های خانوادگی در دنیای اقتصاد به حدی است که چیزی حدود ۳۵ درصد (۱۷۵ شرکت) از ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی از نوع شرکت‌های خانوادگی می‌باشند (Omidar et al., 2014). به همین منظور در بسیاری کشورها، شاخص‌های متعددی برای تعریف این‌گونه شرکت‌ها ارائه گردیده است و پژوهشگران در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت این شرکت‌ها پژوهش‌های مختلفی را در مورد این شرکت‌ها انجام داده‌اند (Yeganeh et al., 2012). در شرکت‌های خانوادگی عموماً بخش زیادی از سهام در اختیار یک یا چند سهامدار عمده حقیقی از اعضای یک خانواده است و اعضای خانواده در پست‌های مدیریتی و عملیاتی مشغول کار هستند. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، مشخص شده اگر میزان سهم مدیران از حدی بیشتر باشد، می‌تواند این انگیزه را در آن‌ها ایجاد کند تا وضعیت مالی و عملکرد مطلوب‌تری را ارائه دهند، همچنین سهامداران عمده نیز می‌توانند از طریق کنترل رفتار مدیران بر روی تصمیمات و فعالیت‌های شرکت تأثیرگذار باشند (Mohammadi, 2013).

مالکیت دولتی هر سازمان یا فعالیت اقتصادی می‌تواند به یکی از این ۵ دلیل باشد؛ اول، مالکیت دولتی می‌تواند ناشی از توسعه طبیعی قدرت سلطان در جوامع فئودالی یا قبیله‌ای باشد. اگرچه این دلیل امروزه دیگر از اهمیت چندانی برخوردار نیست، این دلیل تا حد زیادی نحوه تکامل مالکیت دولتی در دوران باستان و قرن وسطی را نشان می‌دهد؛ دوم، مالکیت دولتی می‌تواند ابزار تجاری‌سازی فناوری‌های جدید که پیچیده، حیاتی یا گران هستند، باشد. این منطق در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسیار شایع بود چرا که اهمیت و مقیاس فناوری‌های منتج از انقلاب صنعتی چند برابر شد. سوم، دولت‌ها معمولاً بنگاه‌های خصوصی ورشکسته را به منظور حفظ سطح اشتغال یا تداوم عرضه کالاها و خدمات حیاتی یا هر دو، ملی می‌کنند. این اقدام می‌تواند به صورت موردی یا در پاسخ به یک بحران اقتصادی سیستماتیک مانند رکود بزرگ رخ دهد (Khodadadi et al., 2013).

در ایران مالکیت دولتی، بخش‌های کلیدی اقتصاد ملی را در دست دارد. مالکیت دولتی می‌تواند ابزار تجاری‌سازی فناوری‌های جدید که پیچیده، حیاتی یا گران هستند را فراهم کند. والس^۱ (۲۰۰۲) مثالی روشن ارائه می‌دهد که چرا و چگونه درحالی که سوئد، بریتانیا و ایالات متحده به بخش خصوصی اجازه دادند تا برای عرضه خدمات مخابراتی به رقابت بپردازند، دولت‌های فرانسه، آلمان و بسیاری از دیگر دولت‌های اروپایی گزینه انحصار دولتی در مخابرات را در پیش گرفتند. رادینلی و ایاکو استدلال می‌کنند که مالکیت دولتی در دنیای در حال توسعه به دلایلی تقریباً متفاوت از کشورهای توسعه‌یافته گسترش یافت. پیش از هر چیز به این دلیل که مالکیت دولتی به‌عنوان عنصر ضروری گسترش رشد تلقی شد. در دوران پس از استعمار، دولت در کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین در اندیشه دستیابی به رشد سریع از طریق سرمایه‌گذاری گسترده در تاسیسات فیزیکی بود. شرکت‌های زیادی وابسته به دولت و نهادهای دولتی در بازار بورس ایران وجود دارد. این در حالی است که کنترل منابع زیربنایی و مهم در دست دولت و نهادها و شرکت‌های وابسته به آن است و این نهادها نتوانستند حق سهم بیشتری در کل سرمایه‌گذاری‌ها و از جمله فرایندهای ایجاد ارزش داشته باشند و مالکیت دولتی رابطه منفی بر عملکرد سرمایه فکری داشته است (Anwari et al., 2013).

مالکان و مدیران دولتی در ایران هنوز نتوانسته توجه خود را به فعالیت‌هایی که باعث ایجاد ارزش می‌شود متمرکز کنند و تلاش بیشتری بر افزایش روابط با سرمایه‌گذاران به کار گیرند از جمله فعالیت‌های افزایش ارزش شامل آموزش، به کارگیری کارشناسان زبده و ماهر، توسعه فرایندهای سازمانی و کارهای فرهنگی، استفاده از دانش موجود در کانال‌های ارتباط با مشتری و تبلیغات و بازاریابی و... می‌باشد. تلاش‌های مذکور شرکت را کاراتر می‌کند و عملکرد کلی آن‌ها را افزایش می‌دهد که این روند در نهایت باعث افزایش عملکرد سرمایه فکری می‌باشد (Mahdipour et al., 2012).

در نتیجه صورت‌های مالی حالت واقعی کسب‌وکار را نشان نمی‌دهد و قابلیت ارتباط کاهش می‌یابد (Zarowin, 1999). نداشتن توانایی یک شرکت برای شناسایی و ارتباط اطلاعات سرمایه‌ی فکری، ممکن است مانع از درک سرمایه‌گذاران از ارزش شرکت شود که می‌تواند به‌طور بالقوه منافع آتی را تحت تأثیر قرار دهد (Para, 2013). علاوه بر این، درک اینکه چگونه دارایی‌های سرمایه‌ی فکری به‌کاربرده می‌شوند برای افزایش موقعیت رقابتی یک شرکت حیاتی می‌باشد (گری و مار^۲، ۲۰۱۴) با توجه به اهمیت فزاینده‌ی سرمایه‌ی فکری و عدم کارایی گزارشگری مالی سنتی، حرفه‌ی حسابداری برای توسعه روش‌های جدید کسب‌وکار و ارزیابی عملکرد به چالش کشیده شده است (Para, 2013).

محمدحسن فطرس و تورج بیگی در مقاله‌ی خود راجع به الگوهای اندازه‌گیری سرمایه‌ی فکری با نگاهی به بخش خدمات به این نتیجه رسیدند که توسعه روش‌های اندازه‌گیری و سنجش سرمایه‌ی فکری به‌کندی صورت می‌گیرد و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه بسیار محدود بوده است. هدف این مقاله این بود که با مرور الگوهای سرمایه‌ی فکری به کشف مفاهیمی بپردازد که با بخش خدمات مطابقت داشته باشند. همچنین آنان به این نتیجه رسیدند که در سازمان‌هایی که سطح بالایی از سرمایه‌ی فکری دارند باید خدمات مطابقت داشته باشند. هدف این مقاله این بود که با مرور الگوهای سرمایه‌ی فکری به کشف مفاهیمی بپردازد که با بخش خدمات مطابقت داشته باشند. همچنین آنان به این نتیجه رسیدند که در سازمان‌هایی که سطح بالایی از سرمایه‌ی فکری دارند باید خدمات با ارزش‌افزوده‌ی بالا، یادگیری سازمانی و حفاظت و تأمین اطلاعات در سطح دانش سازمانی بسیار قوی برقرار باشد. تحلیل گران و محققان نیز باید به دنبال فرموله کردن این نوع سرمایه باشند. به واسطه‌ی مفهوم ضمنی سرمایه‌ی فکری، این اجازه به تحلیل گران داده نمی‌شود که با استفاده از متغیرهای اقتصادی به اندازه‌گیری آن بپردازند (Alen et al, 2015).

سرمایه فکری

1- Walson

2- Gary & Mar

استوراد (۱۹۹۷)^۱ و موریتستین^۲ (۲۰۰۹) معتقدند که سرمایه‌ی فکری، تفاوت میان ارزش بازار و ارزش دفتری شرکت است. طبق گفته‌ی ایتامی^۳ (۲۰۰۹) تعاریف مختلف برای سرمایه‌ی فکری ارائه شده است که بیشتر آن‌ها بیان می‌کنند سرمایه‌ی فکری یک دارایی غیر پولی و با ماهیت غیر فیزیکی است که برای شرکت ارزش آفرین است. دارایی‌های نامشهود، دارایی‌های غیرقابل رویتی هستند که شامل دامنه‌ی وسیعی از اقلام مانند فناوری، اعتماد مشتری، علامت تجاری، فرهنگ سازمانی و مهارت‌های مدیریتی هستند. سالیوان (۲۰۱۵)^۴ معتقد است که شرکت‌ها علاوه بر ایجاد ارزش از طریق فروش کالاها و خدمات، به دارایی‌های نامشهودی نظیر حسن شهرت، وفاداری مشتری و ... نیازمند می‌باشند. بهره بردن از این دارایی‌های نامشهود به سرمایه‌ی فکری بستگی دارد. باس^۵ (۲۰۱۵) معتقد است سازمان‌ها به ۴ دسته از دلایل ممکن است سرمایه‌های فکری خود را مورد سنجش قرار دهند که عبارت‌اند از: ۱- بهبود مدیریت داخلی ۲- بهبود گزارش دهی به خارج از سازمان ۳- مبادلات این سرمایه ۴- دلایل قانونی بهبود این حسابداری در این میان شکاف بین ارزش بازار سازمان و ارزش خالص دارایی‌های مشهود که در واقع سهام ناشی از دارایی‌های نامشهود تلقی می‌شود روز به روز، توجه سرمایه‌گذاران را جلب می‌نماید.

بدون مشتری، سازمان‌ها درآمد ندارند و نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. شرکت‌ها باید رضایت مشتریان و وفاداری آن‌ها را مورد توجه قرار دهند. اگر سازمان نتواند مشتریان خود را رضی نگه دارد نمی‌تواند در کسب‌وکار خود موفق باشد و به اهداف خود برسد (Potrak, 2014). موضوع اصلی سرمایه‌ی ارتباطی، دانش موجود در کانال‌های بازاریابی و روابط با مشتریان است و عامل تعیین‌کننده اصلی در تبدیل سرمایه‌ی فکری به ارزش بازاری و در نتیجه، عملکرد کسب‌وکار سازمان می‌باشد (Chen et al, 2015). به عبارتی، سرمایه مشتری شامل فرآیندها، منابع و روش‌های است که برآوردن نیازهای مشتریان را حمایت می‌کند. سرمایه مشتری به‌عنوان یک بخش از سرمایه فکری که به منزله مجموعه‌ای از ارزش‌های نامشهود در حیطه فروش است. سرمایه مشتری نتیجه روابط سازمان با مشتریان است، سازمان می‌تواند سرمایه مشتری را با استفاده از «فرآیند اکتشاف» یعنی یافتن محیط خارجی که سازمان توانایی جلب حمایت مشتریان خود را داشته باشد و یا «فرآیند» بهره‌برداری مانند بهبود دانش کارکنان برای ارائه خدمات بهتر، افزایش دهد (Divharest & Navaro, 2015).

در طول انقلاب صنعتی، کارگران همانند ماشین‌آلات و امکانات تولید در نظر گرفته می‌شدند، ارزش انسان را پایین‌تر از ارزش سرمایه فیزیکی در نظر می‌گرفتند (Kilker, 1969). این شرایط بعد از جنگ جهانی دوم تغییر کرد دیگر کارکنان مورد توجه قرار گرفتند؛ زیرا آن‌ها باعث کسب‌وکار و رشد اقتصادی می‌شوند. سازمان‌ها متوجه دانش کارکنان خود برای زنده ماندن و رشد در محیط‌های رقابتی شدند. سرمایه فکری به‌عنوان یک منبع اقتصادی شناخته شد و تمرکز بر آموزش و پرورش، مهارت بالاتر، بهره‌وری و نوآوری کارگران بیشتر شد. سازمان‌ها با آموزش کار، مراقبت‌های پزشکی و غیره شروع به سرمایه‌گذاری در منابع انسانی کردند، این سرمایه‌گذاری برای افزایش درآمد مورد انتظار در آینده می‌باشد (Bel, 2017). سرمایه انسانی در حال تبدیل شدن به مهم‌ترین بخش سازمان است فعالیت‌های منابع انسانی باید در اهداف استراتژیک سازمان باشد. سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی برای سازمان‌ها از مهم‌ترین

1- Steward

2- Mouritsten

3- Eitami

4- Sullivan

5- bose

سرمایه‌گذاری‌ها به شمار می‌رود زیرا نه تنها سبب زنده ماندن بلکه برای رشد سازمان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است (Hernandez & Noruzi, 2013).

به‌طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین جز اصلی و اساسی سرمایه‌ی فکری، سرمایه‌ی انسانی است و دو سرمایه‌ی دیگر تابعی از سرمایه‌ی انسانی هستند. در واقع بدون سرمایه‌ی انسانی امکان رشد و توسعه آن‌ها محدود است (چن و همکاران، ۲۰۱۵). از این رو، هنر مدیریت و سنجش سرمایه‌ی فکری، هنر توسعه‌ی دارایی‌های نامشهود و فکری غیرقابل استهلاک و پر ارزش‌تر، توسعه‌ی ظرفیت ارزش‌افزایی دارایی‌های مالی فیزیکی، انتقال قابلیت‌ها و دانش کارکنان حرفه‌ای و تبدیل آن به دانش سازمانی و یا دارایی‌های تحت مالکیت فکری سازمان، ایجاد فناوری‌های درون‌زا یا توسعه‌ی قابلیت‌های به‌کارگیری فناوری‌های خریداری شده و روزآمدسازی درونی آن‌هاست؛ و در نهایت ایجاد ارزش‌افزوده‌ی بیشتر و پایدارتر برای سازمان و ذینفعان آن و ترغیب سرمایه‌گذاران در سازمان و بهبود اعتماد و اطمینان بازارهای مالی و سرمایه‌ای است (Samad Khani, 2014). با توجه به منابع سرمایه‌ی فکری، ون در من و کویدترا^۱ (۲۰۱۰) گزارش دادند که عدم افشای مرتبط با این منابع محوری ریسک سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد. آن‌ها معتقدند که فقدان اطلاعات راجع به سرمایه‌گذاری‌هایی در سرمایه‌ی فکری می‌تواند منجر به برآورد کمتری از سودآوری در آینده شود و بنابراین هزینه‌ی سرمایه‌ای نیز افزایش می‌یابد.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیقات داخلی

تحریری و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان، تأثیر افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر تلاش حسابرس و کیفیت حسابرسی بیان کردند، در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاران جهت اخذ تصمیمات اقتصادی عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. ریسک‌های مرتبط با مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌توانند بر فرآیندهای تجاری شرکت تأثیرگذار باشند، ریسک مالی را تشدید کنند و تهدیدی برای بقای شرکت محسوب گردند؛ از این رو، از سوی حسابرسان مورد توجه قرار می‌گیرند یافته‌ها نشان داد که سطح افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با تلاش حسابرس رابطه منفی دارد.

خوش خلق و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان، تبیین اثر سیاسی و اخلاقی رفتارهای مدیریت بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق تهران به بررسی اثر ابعاد سیاسی و اخلاقی رفتارهای مدیریت بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت بررسی و آزمون شد. نتایج نشان داد در میان ابعاد سیاسی و اخلاقی رفتارهای مدیریتی، رفتارهای خوش‌بینانه مدیران، رفتار نمایندگی مدیر، مدیریت سود و هزینه سیاسی ناشی از رفتار مدیریت با کاهش شفافیت محیط گزارشگری سبب کاهش افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه می‌شود. از سوی دیگر، نتایج مویید آن است که رفتار کوتاه‌بینانه مدیران اثر معناداری بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه ندارد.

جنتی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیل‌گر مدیریت سود بیان کردند، طبق تئوری نمایندگی، مدیریت شرکت ممکن است از اختیارات خود، در جهت حداکثر کردن رفاه شخصی بهره‌برد. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۱۵۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های

^۱- Vanderman & Kovidtera

۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که انجام فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارزش بازار سهام شرکت را افزایش می‌دهد، اما مدیریت سود نمی‌تواند رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش بازار سهام شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد که از یک طرف با توجه به نبودن موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایران، هم در بعد انجام و هم در بعد افشا، مدیران به اثر پوششی افشای فعالیت‌های اجتماعی بر سوء استفاده از اختیاراتشان واقف نیستند و از طرف دیگر، به دلیل نقص در کارایی بازار سرمایه در ایران، سرمایه‌گذاران پی به کیفیت مخدوش شده مسئولیت‌پذیری اجتماعی نخواهند برد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۷) به تحقیقی با عنوان، بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکتی، هزینه‌های نمایندگی با حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین منظور، نمونه‌ای مشتمل بر ۱۲۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۵ به روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انتخاب گردید. روش تحقیق کتابخانه‌ای و همبستگی می‌باشد. برای اندازه‌گیری حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد از الگوی صامت و جارویی (۲۰۱۷)، جریان نقد آزاد به عنوان شاخص هزینه‌های نمایندگی و مسئولیت اجتماعی شرکتی از رتبه‌بندی حسینی و امجدیان (۱۳۹۶) استفاده شده است. تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها و به کمک رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد داده‌های تلفیقی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین مسئولیت اجتماعی و حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر شرکت‌ها با عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی بهتر، حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد کمتری دارند. همچنین نتایج حاکی از آن است که هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها باعث افزایش حساسیت وجه نقد می‌شود و این افزایش، اثر منفی مسئولیت اجتماعی شرکتی بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد را تعدیل می‌کند.

پیشینه تحقیقات خارجی

چانگ و همکاران (۲۰۲۱)، در تحقیقی با عنوان، آیا افشای اطلاعات محیطی ریسک شرکت را کاهش می‌دهد؟ به بررسی اثرات افشای اطلاعات محیطی بر ریسک شرکت پرداختند. یک مطالعه از شرکت‌های فهرست شده چینی که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ فعالیت می‌کنند نشان دادند که افشای اطلاعات محیطی عدم تقارن اطلاعاتی شرکت - سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد، عدم قطعیت در مورد قیمت‌گذاری دارایی‌ها را کاهش می‌دهد و در نتیجه به طور قابل توجهی ریسک شرکت را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، این رابطه برای شرکت‌های با رشد بالا بیشتر از صنایع با رشد پایین بیان می‌شود که نشان می‌دهد افشای محیطی، ریسک شرکت را برای صنایع با رشد بالا کاهش می‌دهد.

محمود رمضان و همکاران (۲۰۲۱)، در تحقیقی با عنوان، مسئولیت اجتماعی شرکت چگونه بر عملکرد مالی، ثبات مالی و شمول مالی در بخش بانکداری تأثیر می‌گذارد؟ شواهدی از پاکستان، تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی، شمول مالی و ثبات مالی بخش بانکداری، با تمرکز بر داده‌های سالانه ۲۰ بانک تجاری پاکستان برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۷ بررسی کردند نتایج نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت و همچنین سن و اندازه بانک، تأثیر مثبتی بر هر سه فاکتور دارد. با این حال، سطح بالای اهرم موجب کاهش شمول مالی و ثبات مالی می‌شود، در حالی که شمول مالی ارتباط منفی با ملموس بودن دارایی‌ها دارد.

سان و دینگ^۱ (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر قابلیت بازاریابی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و نوسان پذیری جریان‌های نقدی پرداختند. نقش‌های مفید مسئولیت اجتماعی در عملکرد مالی شرکت به خوبی مستندسازی شده‌است. در این تحقیق یکی دیگر از ویژگی‌های مهم شرکت، قابلیت بازاریابی، برای فرموله کردن رابطه‌های متقابل بین مسئولیت اجتماعی و توانایی دو طرف شرکت به سمت مدیریت ریسک بهتر را در نظر گرفتند. نتایج نشان می‌دهند که مسئولیت اجتماعی می‌تواند نوسانات جریان نقدی شرکت را کاهش دهد. با این حال، شرکتی با قابلیت بازاریابی بالا تأثیر منفی مسئولیت اجتماعی را از بین می‌برد.

واهابا والسید (۲۰۱۹) در تحقیقی تحت عنوان اثر میانجی عملکرد مالی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و ساختار مالکیت پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر نشان می‌دهد که عملکرد مالی بهتر (بدتر) و مسئولیت اجتماعی شرکت مسیری است برای هدایت سهامداران نهادی که برای سرمایه‌گذاری‌های خود تصمیم‌گیری می‌نمایند. از سویی دیگر نتایج نشان می‌دهد که عملکرد مالی به‌عنوان یک نقش میانجی گر بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و ساختار مالکیت شرکت‌ها تأثیرگذار است.

لو و آبیسکارا^۲ (۲۰۱۸) رابطه بین قدرت ذینفعان، ویژگی‌های شرکتی و افشای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها را در کشور چین بررسی کردند، آن‌ها رابطه قدرت دولت (مالکیت دولتی)، تمرکز مالکیت (قدرت سهامداران)، قدرت اعتباردهندگان (اهرم)، قدرت حساب‌برسان (۴ شرکت بزرگ حسابرسی)، ویژگی‌های شرکتی (مثل اندازه، سودآوری، صنعت) را با افشای اطلاعات زیست‌محیطی بررسی کردند. آن‌ها برای ارزیابی افشای زیست‌محیطی از اطلاعات ۱۰۰ شرکت از صنایع مختلف و از معیار GRI (G3) استفاده کردند؛ و از رگرسیون چندگانه استفاده کردند، نتایج پژوهش نشان داد که افشای اجتماعی و زیست‌محیطی رابطه معنی‌دار مثبتی با اندازه شرکت‌ها، سودآوری و نوع صنعت دارد؛ و در نهایت به‌استثنای سهامداران و اعتباردهندگان نقش سایر ذینفعان قدرتمند در افشای اجتماعی و زیست‌محیطی در کشور چین بسیار کم می‌باشد.

دامیکو و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، عوامل تأثیرگذار بر افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها را بررسی کردند. آن‌ها در بورس اوراق بهادار ایتالیا در پایان سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ در مجموع ۱۷۰ شرکت را انتخاب کردند. متغیرهایی که در این پژوهش انتخاب شدند عبارت بودند از اندازه شرکت، صنعت، عملکرد اقتصادی، اهرم، عمر شرکت و ارزش بازار، مالکیت دولتی، درصد سهام اقلیت، کیفیت حسابرسی (حسابرسی شرکت توسط چهار شرکت بزرگ حسابرسی). نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معنی‌دار معکوسی بین درصد سهامداران اقلیت، کیفیت حسابرسی و پذیرش شرکت‌ها در بورس‌های خارجی با افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها وجود دارد و سودآوری رابطه معنی‌داری با افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها ندارد.

روش پژوهش

این تحقیق، یک مطالعه کاربردی بر حسب هدف تحقیق است که پیامدهای واقعی یک یا چند رویداد را مورد بررسی قرار می‌دهد و با استفاده از آن دانش مربوطه در آن زمینه را توسعه می‌دهد. اجرای تحقیق و بررسی روابط بین متغیرها

1- San & Ding

2- Loo.abiskara

3- Damiko et al

متکی بر تحلیل رگرسیون چندگانه است که در آن روابط میان متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل کننده و کنترلی مورد ارزیابی قرار می گیرند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه مطالعاتی پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ می باشد.

روش نمونه گیری، روش حذفی است. به طوری که شرکت هایی که حائز شرایط نباشند و یا داده های آن در دسترس نباشد، از نمونه آماری حذف شدند.

جدول ۱- محدودیت های اعمال شده برای شرکت ها

ردیف	شرح محدودیت	تعداد	درصد
۱	تعداد کل شرکت ها قبل از اعمال محدودیت	۵۲۰	
۲	جزء بانک ها، مؤسسات مالی، سرمایه گذاری، هلدینگ و لیزینگ نباشد زیرا به دلیل ماهیت فعالیت خاص آن ها، رابطه مولفه های مورد بررسی در این پژوهش برای چنین موسساتی متفاوت بوده و قابل تعمیم به سایرین نمی باشد.	(۳۸)	۱۴
۳	شرکت تا پایان سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ از بورس اوراق بهادار نیز خارج نشده باشد.	(۱۲۴)	۳۲
۴	برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه هر سال باشد.	(۱۰۸)	۲۳
۵	شرکت طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ تغییر سال مالی نداشته باشد.	(۷۳)	۱۲
۶	صورت های مالی و اطلاعات شرکت ها در دسترس باشند.	(۵۸)	۱۹
	جمع کل شرکت های باقیمانده	۱۰۷	

بر این اساس در مطالعه حاضر تعداد ۱۰۷ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید

فرضیه های پژوهش

- مالکیت مدیریتی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- مالکیت خارجی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- مالکیت بلوکی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- مالکیت پراکنده بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- افشای سرمایه فکری بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد
- افشای سرمایه فکری بر رابطه بین مالکیت خارجی و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد
- افشای سرمایه فکری بر رابطه بین مالکیت بلوکی و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد

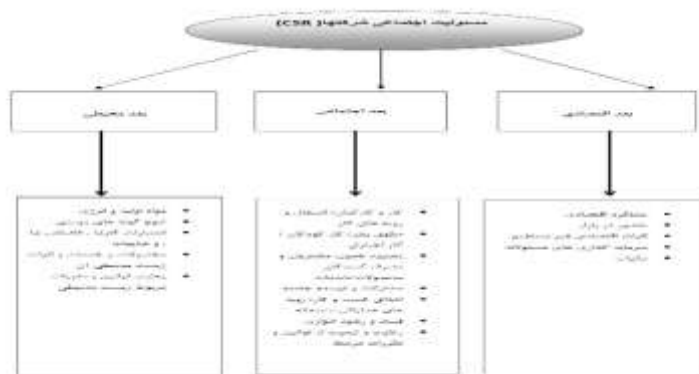
➤ افشای سرمایه فکری بر رابطه بین مالکیت پراکنده و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته:

SRD: افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی

سطح/ درجه افشای ابعاد (محیطی، اقتصادی و اجتماعی) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR): امتیاز افشای مسئولیت اجتماعی است که هر شرکت با توجه به چک لیست نهائی تدوین شده ارقام افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در این تحقیق به دست خواهد آمد هر یک از ارقام افشاء در امتیاز دهی هر شرکت دارای ضریب ۱ یا صفر خواهد بود ((ارنست و ارنست (۲۰۰۹) و ابوت و مانسن (۲۰۰۲)). در این تحقیق از مدل افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از رساله قدرت اله برزگر (۱۳۹۲) استفاده خواهیم کرد. ایشان برای اندازه‌گیری سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از مدل زیر استفاده کردند.



شکل ۱- مدل افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برزگر (۱۳۹۲)

متغیر مستقل:

Mown: مالکیت مدیریتی

متغیر مالکیت مدیریتی برابر با درصد سهام عادی متعلق به مدیران موظف و غیرموظف است.

FOWN: مالکیت بلوکی

طبق تعریف موجود در پژوهش جاکبی و ژنگ ۲۰۱۵ به سهامدارانی اطلاق می‌شود که دارای حداقل ۵ درصد از سهام منتشره شرکت باشند

DOWN: مالکیت خارجی

درصد سهام متعلق به سهامداران خارجی به تعداد کل سهام صادر شده

Dispersed: پراکندگی مالکیت

طبق سماحه (۲۰۱۵)، در این پژوهش از نسبت سهام شناور آزاد به‌عنوان شاخصی برای پراکندگی مالکیت استفاده شده است. طبق ماده (۳) ضوابط محاسبه سهام شناور آزاد (۱۳۹۴/۰۵/۱۱) سازمان بورس موظف است در پایان مقاطع هر

فصل نسبت به محاسبه سهام شناور آزاد ناشر اقدام نموده و نتایج محاسبات را حداکثر تا یک ماه پس از آن‌ها به اطلاع عموم برساند.

متغیر تعدیلگر:

ICD: سرمایه فکری

از ضریب ارزش افزوده‌ی فکری به‌عنوان مقیاس کارایی سرمایه فکری شرکت‌های تجاری استفاده می‌شود.

$$VAIC = HCE + CEE + SCE \quad (1)$$

HCE: سرمایه انسانی

به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$HCE_{it} = VA_{it} / HC_{it} \quad (2)$$

که در آن:

HCE_{it} : ضریب سرمایه‌ی انسانی شرکت؛ VA_{it} : ارزش افزوده‌ی کلی شرکت؛ HC_{it} : کل مبلغ سرمایه‌گذاری شده برای حقوق و دستمزد است.

سرمایه ساختاری:

محاسبه‌ی SCE که ضریب سرمایه‌ی ساختاری است.

اولین گام برای تعیین SCE، محاسبه‌ی سرمایه‌ی ساختاری شرکت (SC) است که به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$SC_{it} = VA_{it} - HC_{it} \quad (3)$$

که در آن:

SC_{it} : سرمایه‌ی ساختاری شرکت؛

VA_{it} : ارزش افزوده‌ی کلی شرکت؛

HC_{it} : کل مبلغ سرمایه‌گذاری شده برای حقوق و دستمزد است.

در نتیجه SCE_{it} به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$SCE_{it} = SC_{it} / VA_{it} \quad (4)$$

که در آن:

SCE_{it} : ضریب سرمایه‌ی ساختاری؛ SC_{it} : سرمایه‌ی ساختاری شرکت؛ VA_{it} : ارزش افزوده کلی شرکت است؛

سرمایه ارتباطی:

محاسبه‌ی CEE_{it} که به وسیله‌ی این فرمول محاسبه می‌شود:

$$CEE_{it} = VA_{it} / CE_{it} \quad (5)$$

که در آن:

CEE_{it} : ضریب کارایی سرمایه ارتباطی، VA_{it} ارزش افزوده کلی شرکت، CE_{it} : ارزش دفتری خالص دارایی‌های شرکت است

متغیرهای کنترلی:

عمر شرکت‌ها (AGE): بر اساس تاریخ پذیرش شرکت در بازار بورس اوراق بهادار لگاریتم فاصله زمانی بین تاریخ تأسیس شرکت و تاریخ ورود برحسب سال. (تسانگ و همکاران، ۲۰۱۹)

ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (تسانگ و همکاران، ۲۰۱۹) اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت
 اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت

یافته‌ها و نتایج پژوهش

در این پژوهش، جهت آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. در این روش، داده‌های سری زمانی (سال‌های موردبررسی) و مقطعی (شرکت‌های مورد مطالعه) باهم ترکیب می‌شوند. داده‌های ترکیبی بیشتر به خاطر افزایش تعداد مشاهده‌ها، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و مطالعه پویای تغییرات، استفاده می‌شود. به منظور تخمین کارایی، یک مدل رگرسیونی با استفاده از داده‌های ترکیبی، یکی از مدل‌های اثرات مشترک، اثرات ثابت و اثرات تصادفی با استفاده از آزمون‌هایی مناسب، انتخاب می‌شوند.

آمار توصیفی داده‌ها

یک محقق قبل از اینکه مستقیماً به سراغ آزمون‌های آماری برود، ابتدا به بررسی اکتشافی داده‌ها می‌پردازد تا بتواند بااطلاع از نحوه توزیع داده‌ها و سایر خصوصیات آن‌ها که با محاسبه بعضی شاخص‌های آماری آشکار می‌شود، مسیر مشخصی را برای رسیدن به نتیجه دنبال کند. تهیه نگاره فراوانی، محاسبه شاخص‌های آماری و رسم نمودار در اغلب موارد برای توصیف داده‌ها امری ضروری است. از این رو ماقبل از انجام هرگونه آزمون‌های آماری، به توصیف داده‌ها در جدول ۲ خواهیم پرداخت:

جدول ۲- آمار توصیفی داده‌ها

نام متغیر	افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی	مالکیت مدیریتی	مالکیت خارجی	مالکیت بلوکی	پراکندگی مالکیت	سرمایه فکری	عمر شرکت‌ها	ارزش بازار به ارزش دفتری
میانگین	۰/۴۶	۰/۴۲	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۴۶	۲۲/۱۴	۱۱	۰/۱۲
میانه	۰/۴۵	۰/۴۲	۰/۳۶	۰/۳۷	۰/۴۲	۱۸/۱۲	۱۲	۰/۱۲
حداکثر	۰/۸۴	۰/۶۰	۰/۶۴	۰/۵۸	۰/۶۲	۳۰۵/۳۴	۱۶	۰/۴۷
حداقل	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۲۱	-۴/۰۱	۶	۰/۰۷
انحراف معیار	۱/۰۹	۰/۴۰	۰/۲۱	۰/۰۶۴	۰/۴۹	۰/۰۴	۰/۱۶	۰/۰۱
چولگی	۲/۱۹	۱/۲۵	-۰/۱۲	۱/۱۴۰	۰/۵۵	۳/۱۵	۳/۰۳	۱/۱۱
کشیدگی	۷/۷۹	۳/۷۰	۱/۶۸	۳/۷۵۵	۱/۳۱	۱۴/۶۷	۱۵/۲۹	۳/۷۷
نام متغیر	اندازه شرکت	اهرم مالی						
میانگین	۱۲/۷۸	۰/۶۲						
میانه	۱۲/۴۹	۰/۶۹						
حداکثر	۱۴/۹۶	۰/۹۵						
حداقل	۱۰/۹۵	۰/۱۲						
انحراف معیار	۱/۲۱	۰/۲۴						
چولگی	۰/۲۷	-۰/۶۴						
کشیدگی	۲/۰۶	۲/۴۴						

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانه متغیر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی برابر با ۰/۴۵۵ می‌باشد که بیانگر این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. ضریب کشیدگی میزان کشیدگی منحنی فراوانی را نسبت به منحنی نرمال استاندارد نشان می‌دهد. اگر کشیدگی حدود سه باشد، یعنی منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضع متعادل و نرمالی دارد، اگر این مقدار بزرگ‌تر از عدد ۳ باشد منحنی برجسته و اگر کمتر از عدد ۳ باشد منحنی پهن می‌باشد.

آزمون F لیمر

همان‌طور که در بالا بیان شد برای تخمین بهترین مدل با استفاده از یکی از روش‌های اثرات مشترک، اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون F لیمر و در صورت لزوم از آزمون‌ها سمن استفاده می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر

F لیمر	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۱	۵/۳۴	(۱۰۶/۱۰۸)	۰/۰۰	Panel
۲	۷/۱۵	(۱۰۶/۱۱۵)	۰/۰۰	Panel

برای انتخاب از بین دو نوع الگو برآورد (تلفیقی و پانل) نخست آزمون اف لیمر را برازش می‌کنیم. در داده‌های تلفیقی فرض بر این است که عرض از مبداها با هم برابراند؛ و در الگوی پانل فرض بر این است که حداقل یکی از مبداها با بقیه متفاوت است. در آزمون اف لیمر، اگر فرضیه صفر رد نشود از الگوی تلفیقی برای برازش داده‌ها استفاده می‌کنیم. با توجه به اینکه P-value به دست آمده از آزمون F لیمر در فرضیه‌های پژوهش کوچک‌تر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل‌ها از مدل داده‌های پانل استفاده خواهد شد.

آزمون‌ها سمن

بعد از این که مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت‌های فردی قابل لحاظ کردن است و روش داده‌های ترکیبی برای برآورد مدل پژوهش مناسب است، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا این که در طی زمان رخ داده است. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر تصادفی استفاده می‌شود. در آزمون‌ها سمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول زیر انعکاس یافته است.

جدول ۴- آزمون‌ها سمن برای تعیین مدل اثرات ثابت یا تصادفی

ها سمن	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	روش
۱	۳/۰۷	۱۲	۰/۰۰	اثرات ثابت
۲	۵/۳۶	۱۲	۰/۰۰	اثرات ثابت

* سطح خطای ۵ درصد

با توجه به نتایج آزمون انجام شده (هاسمن) احتمال به دست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از روش اثرات ثابت استفاده شود.

بررسی ناهمسانی واریانس

در این قسمت به تخمین ناهمسانی واریانس ۱- که ناشی از ویژگی های متفاوت شرکت ها می باشد- می پردازیم. زمانی که در واحدهای مقطعی دارای واریانس همسان باشد، اما واریانس آن در سرتاسر واحدها متفاوت باشند، ما ناهمسانی واریانس گروهی ۲ خواهیم داشت. همانند بررسی ایستایی متغیرها در اینجا نیز نیاز به بکارگیری روش مناسب برای داده های تلفیقی داریم. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس آرج LM به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۵- نتایج آزمون ناهمسانی آرج LM مدل تحقیق

ارچ	شرح	مقدار آماره	سطح معناداری
۱	F-statistic	۰/۱۸	۰/۱۵
۲	F-statistic	۰/۳۷	۰/۱۴

* سطح خطای ۵ درصد

با توجه به جدول ۶ آماره F آزمون در سطح ۵ درصد معنادار نیست، بنابراین فرض همسانی واریانس تأیید شده و ناهمسانی واریانس جملات اخلال رد می شود.

آزمون رگرسیون مدل اول تحقیق

جدول ۶- آزمون رگرسیون و معناداری مدل

SRD = $\alpha_0 + \alpha_1 MOWM_{it} + \alpha_2 DOWN_{it} + \alpha_3 FOWN_{it} + \alpha_4 Dispersed_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 MTB_{it} + \alpha_7 SIZE_{it} + \alpha_8 AGE_{it} + \epsilon_{it}$					
نام متغیر	نماد	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	C	۰/۱۲	۰/۱۰	۱/۱۵	۰/۰۹
مالکیت مدیریتی	MOWN	۰/۴۱	۰/۰۹	۴/۴۳	۰/۰۲
مالکیت خارجی	DOWN	۰/۲۲	۰/۰۵	۴/۳۱	۰/۰۳
مالکیت بلوکی	FOWN	۰/۷۱	۰/۱۰	۶/۹۳	۰/۰۰
پراکندگی مالکیت	DISPERSED	۰/۵۷	۰/۴۸	۱/۱۹	۰/۱۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۲۴	۰/۰۲	-۱۱/۳۸	۰/۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	-۰/۲۹	۰/۰۴	-۶/۷۷	۰/۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۵۲	۰/۵۰	۱/۶۱	۰/۱۱
عمر شرکت ها	AGE	۰/۱۳	۰/۱۳	۱/۰۲	۰/۱۰
دوربین - واتسون		ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری
۱,۹		۰/۶۹	۰/۶۶	۴۳/۸۴	**۰/۰۰۰

¹- Heteroskedasticity

²- Group wise heteroskedasticity

آزمون فرضیه اول

ضریب برآوردی متغیر مالکیت مدیریتی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۰/۴۰۸ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت مدیریتی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت مدیریتی، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی افزایش می یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت مدیریتی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه دوم

ضریب برآوردی متغیر مالکیت خارجی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۰/۲۲۴ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت خارجی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت خارجی، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی افزایش می یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت خارجی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه سوم

ضریب برآوردی متغیر مالکیت بلوکی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۰/۷۱۴ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت بلوکی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت بلوکی، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی افزایش می یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت بلوکی بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه چهارم

ضریب برآوردی متغیر مالکیت پراکنده بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۰/۵۷۱ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت پراکنده بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت پراکنده، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی افزایش می یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد بزرگ تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت پراکنده بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

آزمون رگرسیون مدل دوم تحقیق

جدول ۷- آزمون رگرسیون و معناداری مدل

$$SRD = \alpha_0 + \alpha_1 MOWM_{it} + \alpha_2 DOWN_{it} + \alpha_3 FOWN_{it} + \alpha_4 Dispersed_{it} + \alpha_5 ICD_{it} + \alpha_6 ICD * MOWM_{it} + \alpha_7 ICD_{it} * DOWN_{it} + \alpha_8 ICD_{it} * FOWN_{it} + \alpha_9 ICD_{it} * Dispersed_{it} + \alpha_{10} LEV_{it} + \alpha_{11} MTB_{it} + \alpha_{12} SIZE_{it} + \alpha_{13} AGE_{it} + \epsilon$$

نام متغیر	نماد	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	C	۰/۷۷	۰/۱۰	۷/۵۹	۰/۰۱
مالکیت مدیریتی	MOWN	۰/۳۰	۰/۰۵	-۵/۷۶	۰/۰۲
مالکیت خارجی	DOWN	۳/۶۶	۰/۵۳	۵/۰۵	۰/۰۳
مالکیت بلوکی	FOWN	۰/۳۰	۰/۰۷	۴/۰۷	۰/۰۴
پراکندگی مالکیت	DISPERSED	۲/۲۵	۰/۸۸	۲/۵۶	۰/۰۷
سرمایه فکری	ICD	۰/۳۰	۰/۰۵	۵/۹۲	۰/۰۵

$$SRD = \alpha_0 + \alpha_1 MOWM_{it} + \alpha_2 DOWN_{it} + \alpha_3 FOWN_{it} + \alpha_4 Dispersed_{it} + \alpha_5 ICD_{it} + \alpha_6 ICD * MOWM_{it} + \alpha_7 ICD_{it} * DOWN_{it} + \alpha_8 ICD_{it} * FOWN_{it} + \alpha_9 ICD_{it} * Dispersed_{it} + \alpha_{10} LEV_{it} + \alpha_{11} MTB_{it} + \alpha_{12} SIZE_{it} + \alpha_{13} AGE_{it} + \varepsilon$$

نام متغیر	نماد	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
مالکیت مدیریتی * سرمایه فکری	ICD* MOWM	۳/۲۷	۰/۴۲	۷/۸۶	۰/۰۰
مالکیت خارجی * سرمایه فکری	ICD* DOWN	۰/۵۰	۰/۰۸	۶/۰۱	۰/۰۱
مالکیت بلوکی * سرمایه فکری	ICD* FOWN	۳/۰۰	۰/۳۳	۹/۱۱	۰/۰۰
پراکندگی مالکیت * سرمایه فکری	ICD* Dispersed	۱/۹۱	۰/۸۰	۲/۳۷	۰/۰۱
اهرم مالی	LEV	-۰/۶۲	۰/۱۳	-۴/۹۶	۰/۰۳
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	-۰/۷۱۱	۰/۵۲	-۱/۳۷	۰/۲۰
اندازه شرکت	SIZE	۳/۶۷	۰/۳۲	۱۱/۲۹	۰/۰۰
عمر شرکتها	AGE	۰/۴۰	۰/۳۵	۱/۱۱	۰/۱۴
دوربین - واتسون		ضریب تعیین	ضریب تعیین شده	آماره F	سطح معناداری
۱,۹		۰/۷۷	۰/۷۴	۴۸,۳۳	**۰/۰۰۰

آزمون فرضیه پنجم

ضریب برآوردی متغیر مالکیت مدیریتی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۳/۲۷۰ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت مدیریتی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت مدیریتی * سرمایه فکری، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی افزایش می یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت مدیریتی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه ششم

ضریب برآوردی متغیر مالکیت خارجی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۰,۵۰۵ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت خارجی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت خارجی * سرمایه فکری، افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی افزایش می یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت خارجی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه هفتم

ضریب برآوردی متغیر مالکیت بلوکی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی برابر با ۳,۰۰۵ می باشد که نشان می دهد بین متغیر مالکیت بلوکی * سرمایه فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت بلوکی * سرمایه فکری، افشای گزارشگری اجتماعی و

زیست‌محیطی افزایش می‌یابد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک‌تر است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد افشای سرمایه‌فکری بر رابطه بین مالکیت بلوکی و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه هشتم

ضریب برآوردی متغیر پراکندگی مالکیت * سرمایه‌فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی برابر با ۱,۹۰۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر پراکندگی مالکیت * سرمایه‌فکری بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد اما بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد بزرگ‌تر است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد افشای سرمایه‌فکری بر رابطه بین مالکیت پراکنده و افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

با توجه نتیجه آزمون فرضیه اول تا چهارم

به سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر گروه‌های ذینفع که به دنبال تصمیم‌گیری بر مبنای سطح افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها هستند پیشنهاد می‌شود در هنگام تصمیم‌گیری‌های خود به ساختار مالکیت شرکت‌ها توجه نمایند و از این طریق بتوانند نتایج آگاهانه‌ای اتخاذ نمایند.

به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها را بر مبنای سطح افشای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی طبقه‌بندی نماید که این مسئله می‌تواند توجه بیشتر به مسئله مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را شامل شود. به کمیته تدوین استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌شود که به موضوع گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها اهمیت بدهند و با تدوین استاندارد در این زمینه، سطح افشا گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها را الزامی نمایند.

به مدیران شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌گردد در ترکیب سهامداران توزیع مناسبی صورت گیرد. همچنین به آن دسته از سهامدارانی که قصد خرید سهام شرکت‌هایی که ساختار سهام آن‌ها شامل ساختار مالکیت مطرح شده در فرضیه‌های ۱ تا ۴ می‌باشد صورت می‌گردد، پیشنهاد می‌گردد، به خرید سهام این گونه شرکت‌ها توجه نمایند.

با توجه نتیجه آزمون فرضیه پنجم تا هشتم

در گزارشگری سرمایه‌فکری، گروه‌های استفاده‌کننده هیچ فشاری بر شرکت‌ها وارد نمی‌کنند ولی می‌توان گفت که به نفع شرکت‌هاست که چنین اطلاعاتی در را به ذینفعان برای دستیابی به ارزش درک شده و نظر گرفته‌شده برای شرکت، گزارش نمایند. طبق تئوری هزینه‌های سیاسی، شرکت‌های بزرگ به دلیل فشارهای سیاسی که بر آن‌ها وجود دارد به دنبال افشای بیشتر اطلاعات هستند تا میزان هزینه‌های داوطلبانه و متحمل شده خود را از طریق این افشا کاهش دهند. نتایج پژوهش شواهدی ارائه نمود که بر اساس آن پیشنهاد می‌گردد: مولف‌های کلیدی سرمایه‌فکری به صورت ضعیفی ناکارا درک، به صورت ناکافی مشخص، به صورت ناهماهنگی توسط شرکت‌ها گزارش مدیریت و شده‌اند. باید مراجع حرفه‌ای از جمله سازمان بورس سازمان حسابرسی، در مورد تعریف اوراق بهادار و چارچوب گزارشگری آن به گزارشگری سرمایه‌فکری و توافق دست یابند. تأکید رو به فزونی شرکت‌ها بر سرمایه‌فکری برای دستیابی به مزیت رقابتی نیاز به وجود رویه‌های گزارشگری

سرمایه فکری قابلیت مقایسه به موقع به منظور تصمیمات تخصیص منابع، دارد که و باید مدنظر مراجع حرفهای کشور قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود، عملیاتی کردن مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها به منظور کسب سرمایه فکری نیاز به توسعه فرهنگ جدید در شرکت دارد زیرا فرهنگ شرکت است که به کسب‌وکار جهت می‌دهد لذا این مورد می‌بایست مدنظر مدیران شرکت‌های بورسی قرار گیرد.

علاوه بر این، رقابت جهانی برای به دست آوردن سرمایه، شرکت‌ها را ملزم به تقویت اطمینان سرمایه گذار بوسیله فعالیت‌های موافق با گزارشگری سرمایه فکری می‌نماید. لذا جهت افشای اجباری سرمایه فکری، تدوین کنندگان استاندارد باید مکانیزم‌هایی که شرکت‌ها را تشویق به افشای سرمایه همچنین برای فکری می‌نمایند، اعمال نمایند.

پیشنهاد می‌شود به بررسی چارچوب‌های مختلف گزارشگری سرمایه فکری و بررسی آنکه کدامیک بهتر است پردازند.

- پیشنهاد می‌شود به بررسی استفاده از سایر چارچوب‌های سرمایه فکری پردازند.
- پیشنهاد می‌شود به بررسی تفصیلی رویه‌های افشای سرمایه فکری بین شرکت‌های کوچک و بزرگ
- پیشنهاد می‌شود به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی کنترل داخلی پردازند.
- پیشنهاد می‌شود به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر افشای گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی عملکرد عملیاتی پردازند.

References

1. Alguezaui, S., & Filieri, R. (2010). Investigating the role of social capital in innovation: sparse versus dense network. *Journal of Knowledge Management*, 14(6), 891-909.
2. Andreeva, A., & Feranco, M. (2017). Intellectual Capital and Its Impact on the Financial Performance of Russian Manufacturing Companies. *Foresight and STI Governance*, 11(1), 31-40.
3. Anvari Rostami, A. A., & Saraji, H. (2013). Measurement of intellectual capital and investigation of the relationship between intellectual capital and market value of shares of listed companies on the stock exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 39. (In Persian)
4. Asghar Ali, M., Hussain, A., & Azim, A. (2013). Organizational Investment in Social Capital (OISC) and Employee Job Performance: Moderation by Employee Job Engagement. *International Review of Management And Business Research*, 2(1), 250-257.
5. Ataollah Herandi, A. (2014). Explaining the role of social capital and knowledge transfer in organizational learning of knowledge-based companies. *Technology Development Management Quarterly*, 1(4). (In Persian)
6. Bavarsayad Belghis, I., Eimani Sahib, S., & Makrameyan, S. (2013). The impact of human capital on the identification and utilization of opportunities. 2nd National Conference on Strategies for Management, Accounting, and Industrial Engineering in Organizations. (In Persian)
7. Belkaoui, A. R. (2003). Intellectual Capital and Firm Performance of US Multinational Firms: a study of the resource-based and stakeholder views. *Journal of Intellectual Capital*, 4(2), 215-226.

8. Bontis, N. (2000). Managing Organizational Knowledge by Diagnosing Intellectual Capital: Framing and Advancing the State of the Field. *International Journal of Technology Managing*, 62-433.
9. Bornemann, M., & Alwert, K. (2007). The German Guideline for Intellectual Capital Reporting: Method and Experiences. *Journal of Intellectual Capital*, 8(4), 563-576.
10. Bruggen, A., Philip, V., & Dao, M. (2009). Determinants of Intellectual Capital Disclosure: Evidence from Australia. *Journal of Intellectual Capital*, 10(2), 233-245.
11. Cariola, A., La Rocca, M., & La Rocca, T. (2007). Corporate governance, intellectual capital, and value creation. Available at www.ssrn.com
12. Chandler, G., & Hanks, S. (1998). An Examination of the Substitutability of Founders Human and Financial Capital in Emerging Business Ventures. *Journal of Business Venturing*, 13(5), 353-369.
13. Cohen, S., & Kaimenakis, N. (2007). Intellectual capital and corporate performance in knowledge-intensive SMEs. *The Learning Organization*, 14(3), 241-262.
14. Dehghan Herati, S., Fazeli Yazdi, A., Jabbari, H., & Asadpour, A. A. (2013). Investigating the effect of board intellectual capital on the value and financial performance of companies accepted in the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 6(2), 44-29. (In Persian)
15. Dehghan Khanegahi, B., & Kazemi, H. (2011). Information content of intellectual capital components and company value. *Regional Accounting Conference on Intellectual Capital*. (In Persian)
16. Hamidianpour, F., Nematollahi, Z., & Zaeimeh, S. (2012). The importance and role of intellectual capital in selecting portfolios among companies accepted in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 3(11), 160-133. (In Persian)
17. Hemmati, H., Moein Al-Din, M., & Mozaffari Shamsi, M. (2010). Investigating the relationship between intellectual capital and market value and financial performance of non-financial companies. *Financial Accounting*, 2(7), 23-47. (In Persian)
18. Hossein Pour, D., & Azar, M. (2013). Investigating the relationship between social and intellectual capital and organizational performance from the perspective of managers and employees. *Development and Transformation Management Quarterly*, 7. (In Persian)
19. Hosseini, A. A. (2012). Investigating the effects of intellectual capital on the financial performance of banks. *Imam Khomeini International University*. (In Persian)
20. Jogiyanto, H. M. (2003). *Teori Protfolio dan Analisis Investasi (Third Edition)*. Yogyakarta: BPF.
21. M. Zultoni Yasin, (2012), 'Pengaruh ROA, ROE, DER, BVS, EPS dan Risiko Sistemik terhadap Harga Saham Perusahaan Manufaktur yang Terdaftar pada Bursa Efek Indonesia', Undergraduate Thesis, STIE Perbanas Surabaya.
22. Madhoushi, M., & Asgharnejad Amiri, M. (2009). Measurement of intellectual capital and investigation of its relationship with company financial performance. *Accounting and Auditing Review*, 57, 101-116. (In Persian)
23. Malekian, E., & Zare Behnabri, M. J. (2010). Explaining the effects of intellectual capital on the financial performance of pharmaceutical companies using a fuzzy approach. *Journal of Executive Management*, 10(2), 135-156. (In Persian)
24. Mamduh and Abdul Halim, (2009), *Analisis Laporan Keuangan*. Unit Penerbit dan Percetakan YKPN: Yogyakarta.
25. Mojtehadzadeh Vida, (2010). The relationship between intellectual capital (human, customer, and structural) and the performance of the insurance industry from the perspective of managers. (In Persian)
26. Phusavat, K., Comepa, N., Sitko-Lutek, A., & Ooi, K. B. (2011). Interrelationships between intellectual capital and performance: Empirical examination. *Industrial Management & Data Systems*, 111(6), 810-829.
27. Rowland Bismark Pasaribu, (2008), *The Influence Of Corporate Fundamentals To Its Stock Price (Case Study of Indonesia Stock Exchange)*. *Journal of Economics and Business*, 2(2), 110-113.

28. Shahaee, B., & Khalefali, A. A. (2010). Investigating the impact of intellectual capital on the performance of Sepah Bank branches in Tehran. *Public Management (University of Tehran)*, 5, 73-90. (In Persian)
29. Shams, S. D., & Khaleeli, M. (2011). Investigating the relationship between intellectual capital and financial performance of listed companies on the stock exchange. *Financial Management and Accounting Perspective*, 1, 51-65. (In Persian)
30. Shirzadi Nasrin, Charaghi Mahdieh (2014). Investigating the role of intellectual capital in organizational performance. 2nd International Conference on Accounting and Management, Tehran. (In Persian)
31. Shojaei, A., Bigi, T., & Nazari-pour, M. (2010). Identifying interactions between intellectual capital components using structural equation modeling technique in the Iranian banking industry. *Farasoo Management Journal*, 4(14), 19-48. (In Persian)
32. Staeish, M. H., & Kazemnejad, M. (2009). Investigating the impact of intellectual capital on the performance of companies accepted in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 1(1), 69-94. (In Persian)
33. Stam, W., Arzlanian, S., & Elfring, T. (2013). Social capital of entrepreneurs and small firm performance: A meta-analysis of contextual and methodological moderators. *Journal of Business Venturing*, 28(2), 165-185.
34. Talebi, K., Davari, A., & Dehghan Nejabadi, A. A. (2013). Identifying the impact of intellectual capital on opportunity recognition in knowledge-based companies. *Journal of Management Studies*, 23(71). (In Persian)
35. Taylor, Maureen. (2011). Building Social Capital Through Rhetoric and Public relations. *Management Communication Quarterly*, 25(3), 436-454.
36. Torres, M. R. (2006). A procedure to design a structural and measurement model of Intellectual Capital: An exploratory study. *Information & Management*, 43(5), 617-626.
37. Totterman, Henrik, Sten, Jan. (2005). Start-ups: Business Incubation and Social Capital. *International Small Business Journal*, 23(5), 487-511.
38. Wahyu Widarjo, (2011), Pengaruh Modal Intelektual dan Pengungkapan Modal Intelektual pada Nilai Perusahaan. *Simposium Nasional Akuntansi XIV di Aceh*, 1-21.
39. Wang, W., Y., & Chang, C. (2005). Intellectual capital and Performance in Causal Models: Evidence from the information Technology Industry in Taiwan. *Journal of Intellectual capital*, 6(2), 222-226.
40. Wasim ul Rehman, Hafeez ur Rehman, Muhammad Usman, Nabila Asghar, (2012), 'A Link of Intellectual Capital Performance with Corporate Financial Performance: A Case of Karachi Stock Exchange', pp. 313-320. www.modiryar.com.
41. Wickramasinghe, Vathsala, & Weliwitigoda, Purnima. (2011). Benefits gained from dimensions of social capital: a study of software developers in Sri Lanka. *Information Technology & People*, 24(4), 393-413.
42. Yang, Jing, Alejandro, Thomas G. Brashear, Boles, James S. (2011). The role of social capital and knowledge transfer in selling center performance. *Journal of Business & Industrial Marketing*, 26(3), 152-161.
43. Zerenler, M., Hasiloglu, B., & Sezgin, M. (2008). Intellectual Capital and Innovation Performance: Empirical Evidence in the Turkish Automotive Supplier. *Journal of Technology Management*, 3(4), 31-40.



Research Paper

Investigating the effect of ownership structure on the disclosure of social and environmental reporting with regard to the moderating role of intellectual capital disclosure

Mehran Masoumi Kian*: Master's degree in accounting, Basir University, Abek, Iran.

Arezou Yeganeh: Master's degree in accounting, Kar University, Qazvin, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 2023/06/01

Accepted: 2023/07/09

PP: 31-54

Use your device to scan and read
the article online



Keywords: Intellectual
Capital Disclosure,
Ownership Structure,
Disclosure Of Social And
Environmental Reporting.

Abstract

The Main Objective Of This Research Is To Investigate The Effect Of Ownership Structure On Disclosure Of Social And Environmental Reporting Regarding The Moderating Role Of Intellectual Capital. The Spatial Domain Of This Research Is Compani Accepted In Tehran Stock Exchange And The Time Domain Between 2015 to 2020. The Present Study Is Among Applied Research, If The Classification Of Types Of Research Is Based On The Nature And Method, The Present Research Method Is Classified As Descriptive Research In Terms Of Nature And It Is Also In Correlation Research. In This Research, Library Method Was Used To Collect Data And Information. In The Data Section Of The Study, Through Gathering Data Of Sample Companies With Reference To Financial Statements, Explanatory Notes And The Monthly Stock Exchange Was Performed. Based On The Systematic Elimination Method, 107 Companies Were Selected As The Statistical Sample. In Order To Describe And Summarize The Collected Data, Descriptive And Inferential Statistics Were Used. In Order To Analyze The Data, First, The Variance Of Variance, F -Limer Test, Hasman Test And Jark-Bera - Lift Test And Then Multivariate Regression Test Were Used To Confirm And Reject The Research Hypotheses. Summary The Results Show That Disclosure Of Intellectual Capital Has Positive Effect On The Relationship Between Ownership Structure And Social And Environmental Reporting.

Citation: Masoumi Kian, M; Yeganeh, A. (2023) **Investigating the effect of ownership structure on the disclosure of social and environmental reporting with regard to the moderating role of intellectual capital disclosure**, Journal of Innovation Management, Vol 3, No 1, PP: 31-54

*. **Corresponding author:** Mehran Masoumi Kian, **Email:** Mehranmasoomikian@gmail.com